

موسیقی سنتی ایرانی و تقدس

هادی واصفی

دکتری پژوهش هنر، معاونت پژوهش و برنامه ریزی نیروی انسانی آموزش و پرورش ناحیه یک شهرستان زاهدان

چکیده

دین، هنر، ادب، عرفان، در فرهنگ الهی ما پیوندی ناگسستنی دارند که گاه به آن توجه کافی مبذول نمی شود، سر آن وقتی پدیدار می گردد، که این احساس و الهام در ما به وجود آید که این معارف انسانی جنبه ذوقی و شهودی دارند. به ویژه عرفان و موسیقی در فرهنگ سنتی ما همواره با وجد ذوق و سماع و شور و حال عارفانه همراه بوده است: هنر سماع و نعمات روحانی آن در فرهنگ عرفانی و سیر و سلوک انسانی تاثیر داشته است اصوات و آهنگ های حزن آور در این نوع موسیقی سنتی و معنوی. با ساختمان روانی و قدسی نفس و حزن درونی آن نوعی موازنه و تناسب برقرار کرده است و همین کیفیت انطباق باطنی نفس با نعمات آسمانی موسیقی عرفانی است که انسان را از کثرت تعلقات و تشتت خاطر می رهاند و باعث وحدت و ثبات و آرامش خاطر، در نفس می گردد و از لحاظ معرفتی نیز این نوع سماع و موسیقی روحانی بر حکمت ذوقی (و عرفان علمی مبتنی است و منعکس کننده حقایق ثابت و ازلی بر گرفته از عالم غیب) است. آنچه که در این مجال به آن پرداخته شده است حول سه محور اصلی حرکت می کند که میتوان آنها را در قالب چهار موضوع اصلی مطرح کرد (۱ رابطه موسیقی و تقدس؛ ۲ رابطه موسیقی و درمان؛ ۳ نقش و جایگاه موسیقی در آیینهای درمانی جنوب (۴) نقش تقدس در شفا و آیینهای درمانی. جنوب موسیقی و اشکال تغییر یافته ی آن مانند ذکر نقشی کلیدی در آیینهای درمانی جنوب دارند و در نهایت میتوان گفت که موسیقی یکی از ارکان اصلی روند درمان را تشکیل میدهد که به این ترتیب میتوان به نوعی موسیقی درمانی سنتی اشاره کرد که در طی اجرای آیینهای جنوب انجام میپذیرد

واژه‌های کلیدی: موسیقی، سنتی، ایرانی، تقدس، عرفان

مقدمه

ادبیات عرفانی (ادب صوفیه) از حیث تنوع و غنا در فارسی و عربی اهمیت خاص دارد. این ادب هم شامل نظم است و هم شامل نثر و نیز فلسفه دارد و هم اخلاق، هم تاریخ دارد و هم تفسیر، هم دعا دارد و هم مناجات، هم حدیث دارد و هم موسیقی. قسمت عمده ای از نظم و نثر صوفیه هم تحقیق است و وعظ و مضمون بیشتر آنها عبارتست از مذمت دنیا و تحقیر آن. و صحبت عشق خداست که شعر صوفی را رنگ عاشقانه می دهد. قصیده را از لجنزار دروغ و تملق به اوج رفعت و وعظ تحقیق کشانده اند و غزل را از عشق شهوانی به محبت روحانی رسانده اند. مثنوی را وسیله ای برای تعلیم عرفان و اخلاق کرده اند. رباعی را قالب احوال و آلام زودگذر نفسانی نموده اند. احوال نفسانی را مثل بعضی نویسندگان سورئالیست مراقبت کرده اند. در فهم قرآن غالباً از توجه به ظاهر عدول کرده اند. موسیقی و سماع را مرکب روح شناخته اند. فلسفه ی وحدت وجود بنیاد نهاده اند. شعر و نثر را وسیله ای برای بیان معانی خود قرار می دهد (شایسته و خسروپناه، ۱۳۹۳).

دلایل اسلامی بودن و اجتماعی منشاء تصوف:

صوف پوشی نشان زهد و رستن از هوای نفس بوده است و صوفیه خود مدعی شده اند این لباس را به تقلید و انبیا پوشیده اند. در تعریف تصوف اقوال بسیار است که از مجموع آنها اخلاص، یک سوئی، روش با شریعت و ریاضت توأمأ فهمیده می شود. چنانکه شبلی گفته است: «صوفی آن است که اندر دو جهان هیچ چیز به جز خدای را نبیند». تصوف با مکارم اخلاق ملازمت دارد. و در آن کوشش برای تقویت روح، تضعیف و تهذیب نفس نقش اساسی دارد تواضع و شکستگی از ویژگیهای بارز آن است. صوفی با محو تیرگی بشریت تجلی حق را در درون خود می جوید!

منشأ تصوف، بنابر آنچه از متون صوفیه فهمیده می شود، اسلام است زیرا گذشته از عوامل نظری (وجود آیات و روایات درباره معرفت، محبت و...)، زهر پیامبران و اصحاب اسوه عملی انسانها خدا ترس بوده است. عوامل اجتماعی دوران بعد از پیامبر اکرم (ص)، مانند ظلم و جور خلفای غاصب و مشکلات امرار معاش حلال، در پیدایش و نضج تصوف موثر بوده است. عوامل مذکور موجب گریز مسلمانان با تقوا از اجتماع و اکتفا به خودسازی و درون نگری شده است. چنانکه به تشکیل طبقه زهاد منجر شد و مکتبی پدید آمد که عناصر اصلی آن زهد، خوف از خدا و توکل به خدا بود در عصر بنی عباس، با ترجمه کتب غیراسلامی از سایر ملل تصوف نیز از تأثیرات مکاتب دیگر مصون نماند و سخنانی مانند فنا، کشف و شهود، انواع و مراتب معرفت وارد تصوف شد و مکتب کشف و شهود را پدید آورد. سپس در قرن هفتم مکتب وحدت وجود به صورت منسجم مطرح شد. محصل این مکتب این است که کثرات در عالم موجود تجلیات صفات ذاتیه اند. یعنی خدا در همه هستی ساری است و خدا در همه چیز وجود دارد. از ثمرات این نوع بینش عشق به کل هستی است.

جریان دیگری که از ابتدای تشکیل تصوف رسمی، پدید آمد، صوفی نمایی بود و علت آن توجه مردم و نیز توجه به دستگاههای حکومتی به صفویه بوده است. ملامتیه برای مقابله یا اعتراض به این دسته پیدا شدند، ملامتیه معتقد بودند انسان باید نزد خدا بهتر از نزد خلق باشد. یعنی ربا را به شدت نکوهش کرده اند. و خوشامد نفس از تحسین مردم را مهلک دانسته اند. صوفی نمایی در قرن هفتم به جهت ابتدال شئون اخلاقی و اجتماعی بر اثر حمله مغول به اوج رسید و در قرن هشتم توجه به عوارض دنیوی آفت مهم تصوف بشمار آمده است. در قرن نهم توجه به عوارض دنیوی به پیدایش صوفیان فئودال منجر شد، و از قرن دهم به بعد، عارفانی بوده اند اهل سیر و سلوک، که از سلسله های صوفیان تبری جسته اند، و در عین حال اهل فقاقت نیز نبوده اند. بعد از تأسیس سلسله صفویه و اقتدار آن و رسمی شدن تشیع، تمایلات صوفیان به گرایشات شیعی تبدیل شد، و با قدرت یافتن علمای شیعه که هم اهل ذوق و عرفان بوده اند و هم اهل فقه، از جاذبه خانقاه و تصوف کاسته شد.

نقش ابزار موسیقی

موسیقی عرفانی، حاصل آمیختگی ادبیات عرفانی با عالم موسیقی است و از آن جا که موسیقی عرفانی، بازتاب عواطف و تخیلات صافی عارفانه است، ارمغان آن، میتواند تداعی احساسات عارفانه نیز باشد. در میان متصوفه و بسیاری از موسیقیدانان،

از این موسیقی به عنوان ابزاری برای عرفانی، « سماع » تعالی روح و سیر و سلوک عرفانی یاد میشود. این کاربرد موسیقی، در مبحث نمودی تمام عیار میباید؛ به گونهای که حتی برخی از متصوفه لزوم کاربرد موسیقی برای رسیدن به مقامات عرفانی را امری انکارناپذیر میدانند. اما چنین کاربردی از سوی خود اهل تصوف هم به صورت مطلق پذیرفتنی نیست. ضمن این که نقش موسیقی برای شهود حقایق والای آسمان معرفت، مگر در مواردی خاص و برای اشخاص ویژه، قدری جای تأمل دارد.

عرفان و موسیقی

با توجه به تعدد معانی و مصادیق هنر و انحطاط آن در برخی حوزه های فکری و فعلی، بازیابی مفهوم سازوار با نمونه های اصلی که زیبایی حقیقی را در خود می پرورد، ضرورت یافته و شکوه متعالی آن (هنر) را که در مسلخ مصادیق کاذب قربانی می شود، بازنمایی می کند. با دست یافتن به این معنا، ارزیابی نظری موسیقی نیز جایگاه ویژه ای خواهد یافت. زیرا وجوه الهام بخش موسیقی نقشی تعالی آفرین به آن خواهد بخشید. این تعالی در احیای عشق و ابراز حقیقت به ثمر خواهد نشست و از این رهگذر، سالک کوی دوست، غم هجران را به غزل احساس حضور در حضرتش و از طریق موسیقی موانست با او جبران خواهد کرد و محبت و معرفت را ارتقا خواهد بخشید. این 'هنر' ادب 'عرفان' در فرهنگ الهی ما پیوندی ناگسستنی دارند که گاه به آن توجه کافی مبذول نمی شود؛ سر آن وقتی پدیدار می گردد که این احساس و الهام در ما به وجود آید که این معارف انسانی جنبه ذوقی و شهودی دارند. به ویژه عرفان و موسیقی در فرهنگ سنتی ما همواره با وجد و ذوق و سماع و شور و حال عارفانه همراه بوده است: هنر سماع و نغمات روحانی آن در فرهنگ عرفانی و سیر و سلوک انسانی تأثیر داشته است اصوات و آهنگ های حزن آور در این نوع موسیقی سنتی و معنوی با ساختمان روانی و قدسی نفس و حزن درونی آن نوعی موازنه و تناسب برقرار کرده است و همین کیفیت انطباق باطنی نفس با نغمات آسمانی موسیقی عرفانی است که انسان را از کثرت تعلقات و تشتت خاطر می رهاند و باعث وحدت و ثبات و آرامش خاطر در نفس می گردد و از لحاظ معرفتی نیز این نوع سماع و موسیقی روحانی بر مبنای حکمت ذوقی (و عرفان علمی مبتنی است و منعکس کننده حقایق ثابت و ازلی برگرفته از عالم غیب) است.

نسبت علم موسیقی به حکمای باستان

دربین، متکلمان فخر رازی همراه با ذکر داستانی از به خواب دیدن فیثاغورس علم موسیقی را به او نسبت میدهد اما در عین حال ارتباطی نیز با نبوت برقرار می کند: «از حکما [و] فلاسفه اول کسی که در این علم خوض کرد فیثاغورس بود و گفته اند که شاگردی سلیمان (ص) کرده بود» فخر رازی ۱۳۴۲ق: ۱۰۳ این نسبت دادن ریشه های موسیقی به نبوت شامل هرمس و داوود (ع) نیز میشود علم موسیقی یک قسم است از اقسام ریاضی و این لفظ یونان است و علم موسیقی به هرمس منسوب است خوارزمی قرن ۱۱: ۱۵۴ در مورد نوازندگی و خوانندگی داوود (ع)، حین مناجات فردی و جمعی، نمونه های بسیاری در تمامی دوره های تمدن اسلامی وجود دارد که بعضی از آنها از کتاب مقدس ریشه می گیرند و بعضی هم به نگاه اسطوره ای نزدیک اند

و در سماع تسبیح داوود (ع) همه خلق را اتفاق است تا لذت سماع نغمت او همه جانوران را آن که اهل خطاب و تمییزند و آن که نیستند مسخر گردانید و خلاف نیست میان آن گروه که به صحبت نبوت انبیا (ع) بگویند که آن نعمت او معجزه نبوت بود و معجزه جز حق نباشد (مستملی بخاری ۱۳۹۵ ۱۸۰۷)

تقدس

بشر از گذشته دور متوجه این واقعیت بوده است که اگر اکثر مردم یک جامعه قلباً به قوانین و مقررات سیاسی و اجتماعی دل بستگی داشته و برای آنها تقدس قایل باشند قانون پذیری شهروندان به مراتب بیشتر خواهد بود. مردم نیز برای نشان دادن ارادت قلبی خود و ماندگاری آن باورهای مقدس، به اجرای مراسم و تشریفات خاصی می پردازند. مجموع این باورهای مقدس به همراه نموده های بیرونی آن دین مدنی یک جامعه نامیده می شود. این مفهوم را در یونان و روم باستان و سپس در آثار برخی جامعه شناسان و فیلسوفان سیاسی مانند روسو و دورکیم میتوان یافت اما تفصیل و رونق تازه این بحث را بایستی از زمان انتشار مقاله "دین مدنی امریکا" (۱۹۶۷) به وسیله "رابرت ان بلا" دانست. این جامعه شناس آمریکایی مدعی شده که

در جامعه آمریکا، در کنار مسیحیت دین دیگری را کشف کرده که محور آن تقدس قوانین مدنی، افراد و اسناد مرتبط با آن است. وی این پدیده کشف شده را "دین مدنی" نامید. "بلا" سرانجام در آثار بعدی خود متوجه سستی پایه‌های دین مدنی گردید و در زمره منتقدان آن قرار گرفت (زرروانی و همکاران، ۱۳۸۳)

موسیقی با منشأ عالم قدس

از انواع موسیقی با منشأ مقدس روایاتی موجود است که در آن موسیقی به بهشت یا معجزات الهی نسبت داده شده است که مشهورترین آن تفسیر سماع از «یحیرون» در آیه شریفه ۱۵ سوره مبارکه روم است که در آن از جمله نعمات بهشت سمعی است که از هر سمعی در این دنیا برتر است و پیشتر ذکر آن آمد و نمونه‌های آن بسیار است. از جمله سیوطی مفسر معروف نظرهای مختلفی را نقل کرده و به نظر گروهی از مفسران، از جمله یحیی بن ابی‌کثیر اشاره میکند که فی‌روضة یحیرون را لذت سماع در بهشت تفسیر کرده اند و روایت یحیی از حضرت رسول (ص) اشاره میکند که از او پرسیدند «حبر» چیست؟ فرمودند: لذت و سماع است روایت دیگری هم وجود دارد که هر وقت اهل بهشت خواهان طرب و شادی شوند، خداوند به بادها وحی می‌کند، پس بادها داخل نیزارها میشوند و آنها را حرکت میدهند و بر اثر به هم خوردن آنها بهشت را شادی فرامی‌گیرد (سیوطی ۱۳۶۵: ۱۵۳) و تکرار همین معنی در بافتار عرفانی نیز وجود دارد: «در خبر آمده است که بهشتیان در بهشت باشند ناگاه از زیر عرش بادی ببرد که آن را باد لطافت خوانند و برگهای درختان را بجنباند و آوازه‌ها پدید آید که هرگز هیچ گوش آوازی به آن خوشی سماع نکرده باشد (مستملی بخاری ۱۳۹۵: ۱۸۰۹). در داستان حضرت یوسف (ع) آمده است: گفته اند که چون یوسف را به چاه انداختند حق سبحانه در چاه ماری بیافرید به آواز خوش تسبیح میکرد تا یوسف (ع) را در چاه از لذت آن سماع وحشت چاه خوش گشت و نیز گفته اند که چون موسی (ع) از چیزی متوحش گشتی، عصای او خدا راعز و جل تسبیح کردی تا موسیقی به لذت آن تسبیح انس یافتی (همان: ۱۸۰۷)

موسیقی متذکر

در همین قسم، نگاه دیگری به موسیقی وجود دارد که آن را یادگار و نمایان گر بهشت، عالم قدس، موطن اصلی انسان یا عالم ملکوت میداند در این نگاه تغییر حالی که نفس بر اثر شنیدن موسیقی دارد به علت الفتی است که نفس در قبل از جهان ناسوتی با موسیقی داشته موسیقی اساساً مقوله‌ای غیرمادی و انفسی است بنابراین شنیدن موسیقی یادآور یا آن که موسیقی جهان غیر مادی یا موطن اصلی نفس است چنین تفسیری از موسیقی به مثابه تذکار که ریشه آن را میتوان تا نظریه آنامنیسیس افلاطون پیگیری کرد از آن جهت به موسیقی مرتبط می‌شود که یادآوری به دلیل نسبتی است که موسیقی به مثابه نظم، هماهنگی، و تألیف با عالم قدسی دارد زیرا عالم قدس همه، نظم، زیبایی، و حسن است و هرزیبایی مادی برگرفته از زیبایی قدسی یا مثالی برتر است عالم علوی عالم حسن و جمال است و اصل حسن و جمال تناسب است و هر چه متناسب است نمودگاری است از جمال آن عالم» (غزالی، ۱۳۷۴: ۲۷۰) هم چنین موسیقی به مثابه یادگاری از عالم قدس است که از اساس به عالم مادی تعلق ندارد و شنیدن آن در این جهان شنونده را مدام به یاد عالم دیگر و نواهای قدسی میاندازد که بسیاری آن را دلیل شرافت موسیقی میدانند. پس اشرف صناعات باشد و از آن جهت که سایر صناعات و اعمال را هیولی از اجسام طبیعی است و موضوعات آن اشکال جسمانی الا موسیقی که موضوع آن جواهر روحانی است و مؤثر است در نفوس مستمعان اثر مستمع از تأثیرات روحانی بود (کاشانی، ۱۳۷۱: ۹۴)

موسیقی را سایه‌ای از موسیقی عوالم غیر مادی هم دانسته اند:

و به وجهی دیگر گوئیم که هیچ چیز در زمین نیست که مانند آن بر فلک نیست و این غنا با با بدین لطیفی در زمین هست نتواند بودن که اگرچه روحانی بود در فلک مثالی از این جنس نباشد... پس شاید بود که ایشان را آوازی بود موزون خوش، ولیکن نشاید گفت که قطعاً نیست (اخوان الصفا، ۱۳۷۱: ۵۳).

نتیجه گیری

موسیقی در مشرق زمین، از جمله در ایران همیشه ماهیتی آیینی داشته، برای قرب به خداوند و در خدمت کمال معنوی انسان بوده است. این که موسیقی ایرانی در چه سطوحی و در چه قالب و مضامینی و چگونه با عرفان عجین و ابزاری برای کمال انسان

بوده، مساله ی اصلی این پژوهش است. که به روش تحلیلی بدان اهتمام شده است. به نظر می رسد بتوان درانواع وسطوح گوناگون موسیقی ، اعم از گاتا خوانی زردشتیان، تا موسیقی خانقاهی و سماع درویشان، تا نعمات قرآن ، ونیز در مضامین مختلف دینی از جمله تعزیه والحن متنوع اذان ومناجات که در بخش عظیمی از موسیقی های نواحی مختلف ایران، جاری است روح معرفت و عرفان را نشان داد. چنان که در کنار دستگاه ها و آوازهایی که بر نظام های موسیقایی بنام ردیف ، مبتنی اند بسیاری از ویژگی های این موسیقی مانند تعادل، نرمش و ملایمت، حال، ... که با شعر عجین اند، دارای پیوند تنگاتنگ با عرفان و حالات و مضامین روحانی اند

منابع :

- اخوان الصفا (۱۳۷۱) مجمل الحکمه، به کوشش محمدتقی بینش و ایرج افشار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
سیوطی، جلال الدین (۱۳۶۵) ، الدر المنثور، جده: دار المعرفه.
شایسته حسین، خسروپناه عبدالحسین. بررسی نقش ابزاری موسیقی در کسب معرفت عرفانی از منظر عرفان اسلامی. مطالعات عرفانی ۱۳۹۳؛ ۱ (۲۰): ۱۱۵۲-۱۴۲- ارزش میراث صوفیه - دکتر عبدالحسین زرین کوب - انتشارات علمی کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۸۲)، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، تهران: خاشع
مجتبی زروانی، قربان علمی، مهدی فیض الله پور، حیدرعلی میمنه جهرمی، دین مدنی، مقالات و بررسی ها ۱۳۸۵ شماره ۷۸
مستملی، بخاری، اسماعیل بن محمد (۱۳۹۵) شرح التعرف لمذهب التصوف نور المریدین و فضیحة المدعین، تصحیح ابراهیم روشن، تهران: اساطیر.